



فروشگاه مردم انسانی و طبقات درستی
کتاب و کتابخانه خود را می

● تاریخ نشر کتاب در ایران (۴) : عبدالحسین آذرنگ

وضعیت نشر در عصر محمد شاه قاجار

روند ترجمه کتاب از زبان‌های فرنگی به فارسی که در دوره عباس میرزا قاجار آغاز شده بود، در دوره حکومت پسرش محمد شاه قاجار (سال‌های حکومت: ۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ق) کم و بیش ادامه یافت و آهنگی که تحول چاپ در ایران با آن به راه افتاده بود، با شتابی کم‌تر تداوم داشت. مترجمانی که آثارشان در این دوره انتشار یافت، کسانی بودند که در عصر عباس میرزا برای تحصیلات عالی به خارج اعزام شده بودند، ولی در دوره محمد شاه به ثمر رسیده بودند. شمار کتاب‌هایی که در عصر این شاه تألیف شد، رقم درخور توجهی نیست و بررسی آثار ترجمه و منتشر شده، تصویر دقیق‌تری از وضع نشر کتاب در آن دوره به دست می‌دهد. یا این همه، این دوره از بابت چند تأثیر دارای اهمیت است که به آن اشاره خواهد شد.

محمد شاه به سیاست پدرش در زمینه فرستادن دانشجو به خارج از کشور ادامه داد و شماری از دانشجویان اعزامی این دوره، بعدها در عصر ناصری به جمع مترجمان پیوستند و در نشر آثار ترجمه شده به فارسی مؤثر قرار گرفتند. حاج میرزا آقاسی، صدراعظم، گذشته از پیگیری این سیاست، به دانش و فرهنگ غربی هم علاقه نشان می‌داد. به گفته هما ناطق، که پژوهش‌های او در تاریخ دوره محمد شاه گسترده‌تر است و با توجه به جنبه‌های مختلف انجام می‌گیرد، هرگاه سفیری از ایران به فرانسه فرستاده

می‌شد، میرزا آقاسی فهرستی از کتاب‌های علمی و فنی را به منظور ترجمه به فارسی به او می‌داد و می‌خواست که سفیر آنها را تهیه کند و به ایران بفرستد. در فهرست میرزا آقاسی، دو دانشنامه، چند واژه‌نامه زبانی و موضوعی، آثاری از پاسکال، دکارت، سیسموندی، کتاب‌هایی در باب علوم طبیعی، فیزیک و شیمی، علوم عملی نظیر ذوب فلزات، کشتی‌سازی، نقشه‌برداری، جغرافیا و نیز در زمینه تاریخ و خاطرات و حوزه‌های دیگر دیده شده است.^۱

صنعتی شدن کشور هدفی بود که جمعی از سران کشور در سر داشتند و ترجمه و نشر منابع فرنگی در این زمینه، شاید از مؤثرترین راه‌هایی بود که به آن می‌اندیشیدند. هما ناطق می‌گوید که دولت ایران حتی قصد داشت شماری محصل هم به مصر بفرستد، زیرا مصر در آن زمان در راه مدرن شدن تلاش می‌کرد.^۲ در مقاله پیش به شمه‌ای از تلاش‌های مصر برای ایجاد صنعت جدید چاپ، و انتشار آثار اشاره‌ای شد. به هر تقدیر تلاش دولت ایران در این خصوص به نتیجه نرسید و رابطه‌ای فرهنگی که می‌خواستند با مصر برقرار کنند، سر نگرفت، اما فرستادن دانشجویان به فرنگ عملی شد و از جمله جوانانی که در اروپا تحصیل کردند و بعداً در عرصه ترجمه و نشر آثار فرنگی فعالیت کردند، به‌ویژه از سه تن شاخص‌تر از بقیه می‌توان یاد کرد: (۱) میرزا حسین خان (بعداً سپهسالار) که بعدها وزیر و صدراعظم شد و دوره حکومت او در تاریخ مدرنیته ایرانی و ترویج و نشر اندیشه‌های جدید، درخور بررسی‌های جداگانه است؛ (۲) میرزا یحیی خان (بعداً مشیرالدوله) که او هم به وزارت رسید و تأثیر اقدامات او هم از منظر این بحث ما شایسته مطالعه است؛ و (۳) میرزا ملکم خان (بعداً ناظم‌الدوله) که مترجمی بسیار چیره‌دست از کار درآمد، در نثرنویسی، صاحب قلم و سبک شد و پیشگام حرکت تجددخواهانه‌ای قرار گرفت که پرداختن به جزئیات آن، فصلی است پرتفصیل در تاریخ مدرنیته ایرانی و تحول اندیشه‌های مشروطه‌طلبانه و آزادی‌خواهانه، و در ادامه مقاله درباره او صحبت می‌شود.

همه آثاری که در دوره محمدشاه از زبان‌های فرنگی به فارسی ترجمه شد، انتشار نیافت و تعدادی به صورت خطی باقی ماند، اما شماری دیگر با حمایت و هزینه دولتی منتشر شد. در واقع در این دوره هم نشر خصوصی در ایران هنوز پا نگرفته بود و آثار منتشر شده موافق طبع طبقه حاکم بود که در ضمن عده اندک شمار دیگری در حواشی

۱. ناطق، هما، ایران در راه‌یابی فرهنگی: ۱۸۴۸ - ۱۸۴۸ م (لندن، ۱۹۸۸ م)، ص ۱۰۷.

۲. ناطق، هما، همان جا.

این طبقه و دولت، که سوادى داشتند و سلیقه و ذائقه‌شان هم به آنها نزدیک بود، ممکن بود امکان مطالعه آنها را داشته باشند. اما کتاب منتشر شده به درون جامعه، که اکثریت آنها در آن زمان بی سواد و ساکن روستاها بودند، راه نداشت و همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، طبقه متوسط شهری، که در همه جای جهان معمولاً برخوردار از سواد و تحصیلات، درآمد، اندکی فراغت و نیز آرمان‌های سیاسى، اجتماعى، و فرهنگى، و از این رو پشتوانه اصلی نشر است، هنوز به وجود نیامده بود.

از کتاب‌هایی که یا به دستور مستقیم محمد شاه یا در عصر او به فارسى ترجمه شده، صورت‌هایی در دست است. از میان اینها از کتاب‌هایی که چاپ و منتشر شده است، می‌توان از اینها یاد کرد:

تاریخ پتربکیر، مؤلف ؟، ترجمه روسى (مسیو) جبرئیل از فرانسوى، ویراسته (البته به تعبیر امروز) میرزا رضاقلی تاریخ نویس (تهران، ۱۲۶۳ ق). همراه این کتاب، دو کتاب تاریخ اسکندر و شارل دوازدهم هم چاپ شده است.^۱

تاریخ ناپلئون اول، نوشته والتر اسکات (نویسنده معروف داستان‌های تاریخی)، ترجمه میرزا رضای مهندس (که در زمان عباس میرزا به خارج فرستاده شده بود و از معروف‌ترین و برجسته‌ترین مترجمان دوره محمدشاه بود و فعالیت‌های چشمگیرش در زمینه ترجمه در دوره ناصرى هم ادامه یافت)، (تهران، ۱۲۵۳ ق).^۲ از دیدگاه ترجمه داستان‌های تاریخی، که نه تنها در عصر قاجار، بلکه در عصر پهلوى اول و حدود دو دهه از عصر پهلوى دوم، خوانندگان بسیاری داشت، ترجمه این کتاب اهمیت بسیاری دارد. ترجمه و انتشار داستان‌های پرحادثه و هیجان تاریخی در عادت‌های کتابخوانى و علاقه‌مند ساختن آنها به مطالعه مداوم، و حتى در برخی خوانندگان ایجاد اعتماد به خواندن، و نیز در آموختن شگردهای داستان‌نویسى جدید موثر بود. تنى چند از نویسندگان ایرانی داستان‌های تاریخی، می‌کوشیدند به قدرت قلم والتر اسکات و توان او در آفرینش صحنه‌های مهیج تاریخی دست بیابند. از جنبه‌های بد تقلید محض که بگذریم، تأثیر ترجمه و نشر آثار والتر اسکات را در تحول داستان‌نویسى فارسى، به‌ویژه داستان‌نویسى تاریخی، نمی‌توان نادیده گرفت.

رسالة قورخانه، ظاهراً ترجمه و تألیفی به قلم محمد باقر تبریزی، رساله‌ای در فنون

۱. کیان‌فر، جمشید، ترجمه - گذرگاه انتقال فرهنگ غرب به ایران»، در: رویارویى فونگی ایران و غرب در دوره معاصر (تهران، ۱۳۷۵ ش)، ص ۷۰.

۲. انوار، سید عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران (تهران، ۱۳۶۵ ش)، ج ۳، مدخل ۱۰۵۷.

نظامی (تهران، ۱۲۵۷ ق) بود. کتاب‌های دیگری که در همان دوره به فارسی ترجمه شده و به صورت خطی باقی است، عبارت است از: تاریخ شهر قسطنطنیه و قیصره، ترجمه محمد حسین قاجار از فرانسوی (تهران، ۱۲۶۱ ق)؛ جهان نمای جدید یا جغرافیای کره، ترجمه محمد حسین دبیرالملک فراهانی، احتمالاً از ترکی عثمانی؛ رساله‌ای در فشنگ، ترجمه میرزا رضای مهندس از انگلیسی، در زمینه فنون نظامی (تهران، احتمالاً در دهه ۱۲۵۰ ق)؛ رساله در وبه، ترجمه موسی (مسیو) جبرئیل و محمد حسین قاجار از فرانسوی، همراه با بخشی تألیفی (تهران، ۱۲۶۲ ق)؛ شرح بلدان چین، ترجمه محمد حسین قاجار از فرانسوی؛ صواعق النظام، گردآوری و ترجمه میرزا رضای مهندس از انگلیسی (تهران، ۱۲۵۴ ق)، همراه با ۱۸ طرح از قطعات توپ؛ کتاب چین، ترجمه ادوارد برجیس از انگلیسی، ویراسته میرزا صادق خان (تهران، ۱۲۶۲ ق).^۱

احتمال زیاد دارد که جز اینها آثار دیگری به فارسی ترجمه و نسخه‌های خطی آنها در کتابخانه‌هایی موجود باشد. برای رسیدن به یقین در این زمینه، تفحص گسترده‌ای لازم است. از بررسی همین عنوان‌های ترجمه شده، گرایش‌های موضوعی را می‌توان مشخص کرد: تاریخ، داستان تاریخی، جغرافیا، فنون نظامی، بهداشت؛ همان موضوع‌هایی که در دوره عباس میرزا هم بر آنها تأکید بود. ترجمه از زبان انگلیسی، به سبب آشنایی بیشتر با این زبان در دوره عباس میرزا، در این دوره رواج داشت. محمد حسین قاجار از فرانسه‌دان‌های زمان خود بود. زول ریشار فرانسوی در زمان محمد شاه به ایران آمد و پس از مدتی اقامت مسلمان شد و نام خود را به رضا تغییر داد. او بعداً به موسیو ریشار و میرزا رضاخان و رضا ریشار معروف شد. تاریخ ناپلئون را به دستور محمد شاه از فرانسوی به فارسی ترجمه کرد. البته ترجمه او را محرر (ویراستار ادبی)‌ها بازنگاری و برای خوانندگان ایرانی مفهوم می‌کردند و چه بسا که از ترفندهای منشیانه موافق سلیقه ادبی زمان، چیزی فرو نمی‌گذاشتند. در هر حال موسیو ریشار در محیط فرهنگی ایران فعال و مولد شد، فرهنگ فرانسوی به فارسی تدوین کرد، در دوره ناصرالدین شاه به فعالیت‌هایش ادامه داد، در مدرسه دارالفنون به تدریس زبان فرانسوی پرداخت، مترجم ناصرالدین شاه شد و در سفر او به انگلستان جزو همراهان بود.^۲

۱. انزان، سید عبدالله، همان، ج ۲، مدخل‌های ۷۳۵ و ۱۸۶۱، ج ۳، مدخل‌های ۳۹۶، ۱۱۰۵۵، کیانفر، جمشید،

همان، ص ۶۸ و ۷۳.

۲. رایت، دنیس، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه کریم امامی (تهران، ۱۳۶۸ ش)، ص ۲۴۰؛ ناطق، هما، همان،

ص ۲۴۶.

موسی (مسیو) جبرئیل، یونانی تبار بود، به خدمت عباس میرزا درآمد و پس از مرگ او به دستگاه محمد شاه پیوست و به دستور وی چند کتاب از فرانسوی به فارسی ترجمه کرد که شارل دوازدهم، اثر ولتر از جمله آنهاست.^۱

ستی که در ترجمه و نشر آثار فرنگی از زمان عباس میرزا آغاز شده بود، در دوره محمد شاه تداوم یافت و به عصر ناصری انتقال یافت. عصر اخیر از دیدگاه تاریخ ترجمه و نشر آثار، مهم‌ترین و پربرترین عصر در تاریخ قاجار از آغاز تا پایان این سلسله است. دوره محمدشاه، گذشته از این وظیفه انتقال، از دیدگاه چند تأثیر دیگر شایسته بررسی جدی‌تری است. این تأثیرها و بررسی جایگاه آنها در تاریخ ترجمه، ویراستاری، و نشر در ایران، از نظرها دور مانده است و تصورات قالبی و پیش‌داوری‌های بی‌مبنا، مانع از آشکار شدن حقیقت امر شدن است. اگر تأکید تنی چند از پژوهش‌گران نبود، فعالیت‌های فرهنگی و تأثیرگذار درخور توجهی از دیده‌ها به کلی پنهان می‌ماند؛ از جمله این موارد مهم که به آنها به اختصار اشاره می‌شود.

هزار و یک شب، اثری که در دوره محمدشاه از عربی به فارسی ترجمه شده، نمونه‌ای اعلا از نثری بسیار کم‌نظیر و به یادگار ماندنی از عصر قاجار است. این اثر جاودانه، که اصل آن سرچشمه الهام‌بخش داستان‌نویسی جدید است، به قلم ملا عبداللطیف طسوجی (تسوجی) چیره‌دستانه به فارسی ترجمه شده و شعرهای اصل کتاب سروده سروش اصفهانی، شاعر نامدار قاجاری، یا به انتخاب او از ابیات مناسب موقع و حال از میان شعرهای سعدی و حافظ است. شعرهای اصل هزار و یک شب، غالباً سخیف و عامیانه است، حال آنکه ترجمه منظوم سروش، تراویده ذوق ادبی - هنری والا، و ترکیب ترجمه منثور و منظوم نه تنها از شاهکارهای ترجمه فارسی، که به دور از هر گونه غلو و مبالغه، در شمار شاهکارهای ترجمه در جهان است. این ترجمه بر روند ترجمه در ایران و نیز تحول نثر فارسی تأثیر گذاشت.^۲ نثر فارسی که در آن دوره از قلم مترجمی تبریزی از راه ترجمه هزار و یک شب به یادگار ماند و با گذشت زمان به میان خوانندگان بسیاری از قشرهای مختلف اجتماعی و فرهنگی نفوذ کرد؛ به تنهایی

۱. هولاک، پاکوب، سفرنامه هولاک، ترجمه کیکاووس جهاننداری (تهران، ۱۳۶۱ ش)، ص ۱۱۹۲ کیان‌فر، جمشید، همان، ص ۷۳.

۲. نک: هزار و یک شب، ترجمه عبداللطیف تسوجی تبریزی (تهران، ۱۳۸۳). شاید تذکر این نکته از نظر پژوهشی لازم باشد که مقدمه ناشر بر این کتاب متأسفانه حاوی خطایی تاریخی است و طسوجی را متعلق به اواخر حکومت قاجار دانسته است؛ برای دقت بیشتر، نیز نک: آرین پور، یحیی، از مبنا تا نیما (تهران، ۱۳۵۱)، ج



● عبدالحسين آذربنگ

می‌تواند سهمی کلان در ترجمه و نشر از دوره خود باشد. شاهزاده‌ای که حامی ترجمه این اثر شد، نمی‌دانیم تا چه حد به تأثیر اقدام خود واقف بود، اما خواسته یا ناخواسته، تأثیر فرهنگی کم‌نظیر بر جا گذاشت؛ تأثیری که هنوز هم الهام‌بخش نشر قصه‌گویی و حکایت‌پردازی است.

انتشار نخستین روزنامه‌های فارسی در دوره محمدشاه و ضرورت نگارش خبرها و مطالب روزنامه‌ای به نثری که با مخاطبان این رسانه ارتباطی جدید تناسب داشته باشد، عامل مهم دیگری در تحوّل بود. شماری از منشیان دیوانی باسواد به وظیفه تازه‌ای در روزنامه‌ها مشغول شدند که به آن «تحریر و انشا» می‌گفتند و ما امروزه به آن ویرایش زبانی یا ویرایش ادبی و ویرایش صوری می‌گوییم. ترکیب ویرایش زبانی و ویرایش صوری، نسخه ویرایی^۱ است که هم در نشریات وهم در کتاب‌ها رایج‌ترین و عمده‌ترین شاخه ویرایش است. از میرزا محمد جعفر ادیب شیرازی با عنوان «منشی کاغذ اخبار» (= ویراستار در روزنامه) یاد شده است. شاید بتوان او را نخستین ویراستار روزنامه در ایران دانست. میرزا عبدالله نامی خلیجستانی هم به وظیفه ویراستاری در روزنامه اشتغال داشته است. اطلاعات ما در این باره به‌ویژه مرهون جست‌وجوهای گسترده سید فرید قاسمی، پژوهشگر تاریخ مطبوعات، است.^۲

اما رویکرد به درست‌نویسی و مفهوم‌نویسی، فقط به روزنامه محدود نشد و شماری از منشیان خوش‌قلم که به «تحریر و انشا» در مطبوعات تسلیم یافتند، به حوزه کتاب هم راه یافتند. اصلاح انشا و عبارات‌های مترجمانی همچون مسیوریشارخان و مسیور جبرئیل، که به زبان مبدأ تسلط داشتند، اما زبان مقصد را در ترجمه خوب نمی‌دانستند، به این گونه منشیان سپرده می‌شد. در چند کتاب که نام منشیان درج شده است، می‌توان اسم‌هایی را دید که کار خود را با «تحریر و انشا» در روزنامه‌های آن عصر آغاز کرده‌اند. دوره مورد بحث، از حیث تاریخ آغاز ویراستاری جدید در ایران، که حوزه‌ای است ناشناخته و نکاویده، به سهم خود بررسی‌های دقیق‌تری را اقتضا می‌کند و مطالعه‌های تطبیقی در زمینه آغاز ویراستاری‌های جدید، به شناخت بهتر آن کمک خواهد کرد.

1. Copy editing

۲. سید فرید قاسمی چندین کتاب درباره تاریخ مطبوعات در ایران، که حوزه پژوهشی اوست، انتشار داده است. برای اطلاعات درباره موضوع مورد بحث، نک: همو، سرگذشت مطبوعات ایران (تهران، ۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۳ نیز نک: اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، چاپ ایرج افشار (تهران، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۶.

نشر، به ویژه نشر آثار ترجمه، در عصر ناصرالدین شاه قاجار (سال‌های حکومت: ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ق) یا عصر ناصری، به چند سبب دستخوش تحولی گسترده شد. این تحول به سبب تأسیس مدرسه دارالفنون، نخستین نهاد آموزش عالی در ایران با روش غربی؛ ایجاد شماری مدرسه در سطوح مختلف تحصیلی و چند مدرسه خارجی؛ فرستادن دانشجویان به خارج از کشور برای تحصیلات عالی و برخی دوره‌های تخصصی؛ بنیادگذاری دارالترجمه و مدرسه ترجمه، در پیش گرفتن سیاست انتشار آثار ترجمه‌ای در زمینه‌های مختلف که به آنها اشاره خواهد شد، با حمایت دولتی و به ویژه هماهنگ با مقاصد حکومتی از راه نشر آثار؛ ورود اندیشه‌های جدید و شکل گرفتن قشری از روشنفکران دگراندیش و صاحب قلم که جدا از سیاست‌های حکومتی و حتی گاه در تقابل با آن سیاست‌ها، به ترجمه و نشر آثار روی می‌آوردند؛ پیدایش قشر تازه‌ای از کتابخوانان که در دل طبقه متوسط به تدریج در حال رشد و گسترش بود و نیازهای مطالعاتی آنان بر روند ترجمه و نشر تأثیر می‌گذاشت، به وجود آمدن زمینه‌ای برای پیدایش نشر خصوصی؛ ایجاد تحول در نشر فارسی و مناسب شدن آن برای بیان مقاصدی که سیر تحولات در زمینه‌های مختلف ایجاد می‌کرد؛ و نیز به سبب عامل‌های دیگری بود که به آنها اجمالاً اشاره می‌شود.

در ۱۲۶۷ ق، همان اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، ظاهراً پنج چاپخانه در تهران دایر بوده است.^۱ خود ناصرالدین شاه به تدریج به اهمیت فناوری چاپ و تأثیرهای آن، دست‌کم از جهت تبلیغی آگاه شد. بعداً که به فرنگ سفر کرد، در استانبول یک دستگاه چاپ سربی خرید و همراه با یک حرف‌چین به تهران فرستاد. در سفر به انگلستان، از چاپخانه‌ای دولتی بازدید کرد و از سرعت چاپ در آن چاپخانه در سفرنامه‌اش یاد کرده است. در سفر دیگری، از دستگاه چاپ رتاتیو در شگفت شد، و وصف او از کار این دستگاه، شاید نخستین وصف مکتوب دستگاه‌های جدید و پر سرعت چاپ در زبان فارسی باشد.^۲ او در عین حال به چاپ تصویر در کتاب و نشریات علاقه داشت، به ویژه آنکه هنر و صنعت عکاسی هم در عصر او در حال پیشرفت بود. روزنامه‌ها و کتاب‌های مصوری که در نهاد‌های زیر نظارت او با کیفیت‌های بسیار مطلوب چاپ می‌شد - البته

۱. درباره شمار چاپخانه‌ها اتفاق نظر نیست؛ نیز نک: جمع‌بندی دیگری در این باره: پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان (تهران، ۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۲۰ و بعد.
 ۲. ناصرالدین قاجار، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه (تهران، ۱۳۷۷-۱۳۷۹)، ج ۱، ص ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۱۶۷.

مطلوب با توجه به امکانات فنی آن زمان - از حمایت او از چاپ مصور حکایت می‌کند. میرزا ابراهیم خان عکاس باشی، معروف به مصور رحمانی، با نظر او برای آموختن فناوری جدید عکاسی، حکاکی و گراورسازی به اروپا فرستاده شد و او پس از بازگشت در چاپ مصور کشور تحولی ایجاد کرد، کیفیت این‌گونه چاپ را کاملاً ارتقا داد و شمار زیادی از افراد همکار و زیردست او، روش‌های فنی این کار را از وی آموختند.^۱ تأثیری که تصویرهای مطبوع در دوره مشروطیت بر خوانندگان گذشت، بخشی یا بخش عمده‌ای از آن، موهون این کوشش‌ها و شالوده‌هایی بود که برای چاپ و تصویری گذاشته شد. ناصرالدین شاه در سفرهای داخلیش به ولایات، چاپخانه کوچک سیاری همراه اردوی خود می‌کرد که روزنامه سفر او را انتشار می‌داد.^۲ چاپ، که تا پیش از تحولات الکترونیک در سال‌های اخیر محمل اصلی نشر بود، در عصر ناصری دستخوش تحول شد و به نیازهای دولتی در حوزه نشر پاسخ می‌داد. در شماری از شهرها، به‌ویژه شهرهایی که فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در آنها بیشتر بود، یا دروازه‌های ورود مدرنیته به ایران، از شمال، غرب، و جنوب کشور به شمار می‌آمدند، چاپخانه دایر یا تعداد آنها افزون شد. تبریز که پیشاهنگ چاپ در ایران و پیشگام همه شهرهای کشور در فناوری چاپ و نیز از دروازه‌های ورود مدرنیته و از کانون‌های پرورش اندیشه‌های جدید بود، در عصر ناصری فعالیت چشمگیری داشت.^۳

مدرسه دارالفنون و تأثیر آن بر ترجمه و نشر. دارالفنون، نخستین مدرسه آموزش عالی در ایران به اسلوب جدید، در پرتو سیاست نوسازی میرزا تقی خان امیرکبیر (ح) ۱۲۲۰ - ۱۲۶۸ ق) برپا گردید، اگرچه گشوده شدن این مدرسه با پایان غم‌انگیز دوره صدارت او مقارن شد. امیرکبیر می‌خواست با تربیت کردن نیروهای جوان و مستعد در زمینه‌های فنی، صنعتی، نظامی و صنایع نظامی، نیاز کشور را در این عرصه‌ها برطرف سازد. در آغاز شش معلم اتریشی و یک معلم ایتالیایی استخدام و در ۱۲۶۸ ق، حدوداً چهار سال پس از جلوس ناصرالدین شاه به تخت، به ایران آورده شدند. (البته ماجرای استخدام این عده و شکل گرفتن هیأت آموزشی دارالفنون بسیار مفصل است. در اینجا فقط به رئوس نکاتی که با ترجمه و نشر ارتباط می‌یابد، اشاره می‌شود.) معلمان

1. Gaffari, Farrokh, "Akkas - Bashi", in: *Encyclopedia Iranica*, Vol. 1., p. 719.

۲. رضوانی، محمد اسماعیل، «نقش مطبوعات در انقلاب مشروطیت»، کلک، ش ۸۴ (اسفند ۱۳۷۵): ص ۲۰.
 ۳. برای مثال، برای صورتی از چاپخانه‌های سنگی و سربی در تبریز عصر ناصری، می‌توانید به این منبع نگاه کنید: هاشمیان، هادی (گردآورنده): فهرست کتاب‌های چاپ سنگی و چاپ سربی چاپخانه تربیت تبریز (تهران، ۱۳۸۶).

خارجی، آموزش در زمینه‌های پیاده‌نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، علم استخراج مواد معدنی، و داروسازی را آغاز کردند. زبان تدریس، فرانسوی بود و محصلانی که پیش‌تر در دوره محمد شاه در فرانسه درس خوانده بودند، وظیفه مترجمی را در کلاس‌های درس به عهده گرفتند. شمار معلمان هم اندک اندک افزایش یافت و معلمانی از کشورهای آلمانی، انگلستان، پروس، سوئیس، لهستان، و هلند به ایران آمدند و به جمع مدرسان پیوستند. چند تن از مدرسان به تدریج زبان فارسی آموختند و توانستند در ترجمه و انتقال مطلب مؤثرتر باشند. عده‌ای از شاگردان با استعداد دارالفنون، به زبان فرانسوی و یکی از رشته‌های علمی یا فنی تسلط یافتند و از میان آنها نخستین مترجمان منابع علمی از زبان فرانسوی به فارسی ظهور کردند^۱ و تحول در ترجمه از زبان فرانسوی و نشر آنها در ایران به مرحله تازه و بی‌سابقه‌ای راه یافت. شمار محصلان دارالفنون در آغاز کار ۱۱۴ تن بود و در ۱۳۰۷ ق که جرج کوزن از این مدرسه بازدید کرد، عده محصلان به ۳۸۷ تن افزایش یافته بود. او می‌گوید از میان محصلان، ۴۵ تن زبان فرانسوی می‌آموختند و ۳۷ تن انگلیسی و ۱۰ تن روسی. او از توانایی شاگردان در ترجمه حکایتی از فرانسوی به فارسی یاد می‌کند که خود ناظر بوده است.^۲

۲۰۳

معلمان دارالفنون چند کتاب برای تدریس تألیف کردند و از میان شاگردان آنها، عده‌ای وظیفه ترجمه را به عهده گرفتند. نیاز محصلان به متن درسی، انگیزه اصلی تألیف و ترجمه نخستین منابع درسی به الگوی درس‌نامه‌های فرنگی شد. از چگونگی بازنگری، ویرایش و آماده‌سازی این کتاب‌ها، که دقت علمی در آنها ضرورت داشت و مراعات می‌شد، اطلاعی در دست نداریم. کتاب‌های چاپ شده که به دست ما رسیده، گواه خوبی است بر دقت‌هایی که در آن زمان در چاپ و نشر آنها به کار می‌بستند. از اطلاعات موجود این‌طور برمی‌آید که دارالفنون چاپخانه کوچکی برای چاپ و نشر آثار خود تأسیس کرده بود. ابزارهای این چاپخانه سنگی را از هندوستان آوردند و نصب کردند و نامش را «دارالطباعه خاصه علمیه مبارکه دارالفنون تهران» گذاشتند. این چاپخانه زیر نظر علیقلی میرزا اعضادالسلطنه کار می‌کرد.^۳ چاپخانه دارالفنون، که شاید

۱. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، ج ۷ (تهران، ۱۳۶۲)، ص ۱۶۳.

۲. کوزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی (تهران، ۱۳۶۱)، ص ۲۰۳ و بعد.

۳. آدمیت، فریدون، همان، ص ۳۶۷ میرزای گلپایگانی، حسین، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (تهران، ۱۳۷۸)،

بتوان آن را نخستین چاپخانه تخصصی ایران قلمداد کرد، تا حدود ۱۳۰۰ ق، حدوداً بیش از ۳۰ سال دایر بود و براساس کتاب‌هایی که بیرون داد، به طور قطع نزدیک به چهل کتاب درسی چاپ کرد.^۱ چاپخانه دارالفنون، همراه با خود مدرسه و فعالیت‌های آن، رو به افول رفت که در اینجا جای بحث درباره علت‌های ویرانگرانه آن نیست.

محصلان دارالفنون در امور چاپی چاپخانه مدرسه خود همکاری داشتند. تشریح بدن انسان، تألیف پولاک، ظاهراً نخستین متن درسی بود که به شیوه چاپ سنگی در ۱۲۷۰ ق چاپ و نشر شد. چهار سال بعد، کتاب دیگری از او با عنوان کتاب جراحی و رساله کحالی ترجمه و منتشر شد.^۲ میرزا ملکم خان (ناظم‌الدوله) کتابی در فنون نظامی و شمار دیگری از محصلان منابعی در زمینه پزشکی و نظامی ترجمه کردند.^۳ دامنه تأثیرها گسترده‌تر از اینها و همچنان در حال گسترش بود. میرزا تقی انصاری کاشانی، طبیب و از معلمان ایرانی دارالفنون، براساس منابع فرنگی کتابی با عنوان جانورنامه تألیف کرد. در این کتاب؛ بخشی به بحث درباره اندیشه‌های چارلز داروین اختصاص داشت و در واقع نخستین اثر فارسی بود که تکامل از دیدگاه داروین به خوانندگان ایرانی معرفی شده بود.^۴ میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله، از دیگر معلمان ایرانی دارالفنون، چند کتاب از فرانسوی به فارسی ترجمه کرد، از جمله کتابی در علم تعدیل قوا (شعبه اصلی جزائفال)، کتابی در علم تسطیح تصویری اجسام^۵، اثری کاملاً فنی، دقیق، همراه با معادل‌گذاری‌ها و معادل‌گزینی‌های بسیار و مؤثر بر آثار پس از خود.

در کنار مدرسه دارالفنون، تماشاخانه کوچکی در ۱۳۰۳ ق تأسیس شد، اما کارشکنی‌ها و مخالفت‌های کسانی که به تئاتر نظر مساعدی نداشتند، سرانجام موجب تعطیلی این تماشاخانه در ۱۳۰۸ ق شد. با این حال برای اجرای نمایش‌های فرنگی،

۱. برای جزئیات بیشتر درباره دارالفنون و تحولات و افول آن، نک:

Gurney, John; Nabavi, Negin, "Dar-al-Fonun", in: Encyclopedia Iranica, Vol. 6, pp. 662-8;

هاشمیان، احمد، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون (تهران، ۱۳۷۹)، معتمدی، اسفندیار، «کتاب‌های درسی ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰»، تاریخ معاصر ایران، ش ۲۷ (پاییز ۱۳۸۲)؛ پولاک که معلم طب دارالفنون بود در سفرنامه‌اش (سفرنامه پولاک، بیش‌تر به مشخصات آن اشاره شد) به نکاتی اشاره می‌کند که حاوی اطلاعات مهمی درباره اداره دارالفنون و طرز کار آن است، نک: ص ۲۰۹ - ۲۱۲ و ۲۲۰ در سفرنامه او.

۲. پولاک، یاکوب، همان، ص ۲۱۲ پ.

۳. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (تهران، ۱۳۷۰)، ج ۱، ص ۳۰۷ - ۳۰۸.

۴. آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی (تهران، ۱۳۸۲)، ص ۲۱۳.

۵. پاکدامن، ناصر، «میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله و تشخیص نفوس دارالخلافه»، فرهنگ ایران زمین، ش ۲۰ (۱۳۵۳)، ص ۳۲۲.

چند نمایشنامه را به فارسی ترجمه کردند. طیب اجباری و تنفر از مردم (مردم‌گریز) از مولیر از جمله این نمایشنامه‌ها بود که ترجمه و اجرای آنها هم بر ترجمه ادبی، ترجمه آثار نمایشنامه‌ای و هم بر نمایشنامه‌نویسی فارسی و اجرای تئاتری تأثیر گذاشت. گویا میرزا علی اکبر خان مژین‌الدوله نطنزی که در فرانسه تحصیل کرده بود و در دارالفنون زبان فرانسوی و نقاشی تدریس می‌کرد، طیب اجباری را برای نخستین بار ترجمه کرده باشد. نمایشنامه‌های دیگری هم به فارسی ترجمه شده و در همان تماشاخانه اجرا شده است، اما از نام مترجمان آنها آگاه نیستیم. احتمال داده می‌شود که برخی از معلمان دارالفنون در ترجمه آنها دخالت مستقیم یا همکاری داشته‌اند. در هر حال دارالفنون نه تنها در عرصه علم و فن که در زمینه بعضی هنرها، از جمله هنر نمایش، تأثیر گذاشت^۱ از جنبه مهم دیگر دارالفنون که باید یاد کرد، تأثیر کتاب‌های ترجمه شده در این مدرسه بر نثر جدید فارسی است. بیان علمی در کتاب‌های درسی ایجاب می‌کرد نثری ساده، زود فهم و دور از تکلف‌های ادبی به کار گرفته شود. یافتن یا ساختن اصطلاح‌های فارسی در برابر انبوهی از اصطلاحات علمی و فنی خارجی، از ضرورت‌های ترجمه بود. مترجمان در آغاز کار تجربه کافی نداشتند، بر نثر ترجمه مسلط نبودند و به شمار زیادی اصطلاح فرانسوی جواز ورود به زبان فارسی دادند، اما این تسلط به تدریج کسب شد و دانش‌آموختگان زبان‌دانی از این مدرسه به خدمت وزارت امور خارجه، وزارتخانه‌های دیگر، سفارتخانه‌ها و روزنامه‌ها درآمدند و بر روند ترجمه در ایران، که در حال گسترش بود، تأثیر نهادند.^۲

ترجمه و نشر در دوره امیرکبیر. تأثیرهای دارالفنون که در بالا به آن اشاره شد، در دوره‌ای است که نخست دست امیرکبیر از کار و سپس از دنیا کوتاه شده بود. او به ترجمه و نشر و اهمیت و تأثیرگذاری آنها به خوبی آگاهی داشت. فریدون آدمیت حق امیرکبیر را در این زمینه هم به جا آورده و به حمایت او در این باب به اندازه لازم اشاره کرده است. او می‌گوید امیر عده‌ای را که بازبان‌های خارجی آشنایی داشتند، چه از خارجیان و چه از ایرانیان، در دستگاه دولت جمع کرد و وظیفه ترجمه آثار را به آنها سپرد. برای مثال، حقوق ملل نخستین کتاب درباره حقوق بین‌الملل، به دستور او ترجمه شد. وی دستور داد از خارج کتاب وارد کنند و در ۱۲۶۵ ق، ۲۹۳ جلد کتاب و ۳۲۳ قطعه نقشه

۱. برای تفصیل بیشتر و جزئیات دقیق‌تر، می‌توانید به این منبع رجوع کنید: ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران (تهران، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۳۰۶-۳۰۹ (چاپ دوم این کتاب در سه جلد در ۱۳۸۵ انتشار یافته است).
۲. واعظ شهرستانی، نفیسه، «نقش دارالفنون در روند ترجمه»، مترجم، سال ۸، ش ۳۰ (پانزیم ۱۳۷۸)، ص ۹۸-۹۷.

جغرافیایی از فرانسه به ایران رسید. کتاب‌های رسیده عمدتاً در زمینه علوم و فنون جدید بود. مطالبی در زمینه بهداشت عمومی و راه‌های مبارزه با بیماری‌های واگیردار خطرناک و شایع در آن زمان، ترجمه، منتشر و به صورت رایگان پخش شد. هرکس کتابی به فارسی ترجمه می‌کرد، از او انعام می‌گرفت. از فهرست مفصلی که آدمیت از عنوان کتاب‌ها به دست داده است، و کتاب‌شناسی‌ها هم مؤید آنهاست، برمی‌آید که چندین و چند کتاب در زمینه علوم طبیعی، مهندسی، علم مالیه و تجارت، اقتصاد، آیین حکومت‌داری، صنعت، کشاورزی، کشتی‌سازی، آبیاری و چند رشته دیگر به فارسی ترجمه و منتشر شده است.^۱ همه این کتاب‌ها از منابع پایه و برای سیاست توسعه و نوسازی امیرکبیر لازم بود. سیاست انتشاراتی دوره او پشتیبان سیاست توسعه و نوسازی، و سیاست روشنگریش بود. اگر دوره صدارتش کوتاه نشده بود و می‌توانست بر اداره دارالفنون نظارت داشته باشد، با شور و علاقه‌ای که به نشر آثار نشان می‌داد، کارنامه انتشارات عصر ناصری قطعاً جز این بود که هست. با این حال، اگرچه نشر دولتی در دوره پس از او در مسیر و با سرعت دیگری حرکت کرد، اما تأثیرهای سیاست انتشاراتی او در بخش دولتی و در دوره‌های دیگر، تا اندازه زیادی مشهود است، سیاستی که جای بررسی بیش‌تری هم دارد.

۲۰۶

مدرسه‌ها، آموزش‌های جدید و تأثیر آنها بر ترجمه و نشر.

از دوره حکومت محمد شاه به بعد، مدرسه‌هایی در ایران تأسیس شد که در آنها زبان‌های خارجی تدریس می‌کردند. تربیت‌یافتگانی از این مدرسه‌ها که به این زبان‌ها مسلط می‌شدند و به ترویج آموزش آنها یا ترجمه از آنها دست می‌زدند، در مجموع بر روند ترجمه و نشر آثار در عصر قاجار تأثیر می‌گذاشتند. این مدرسه‌ها را به چند دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: (۱) آن دسته که مبلغان خارجی برای مقاصد خود تأسیس کردند؛ (۲) مدرسه‌هایی که برای ترویج فرهنگ اروپایی، اما فارغ از گرایش مذهبی خاصی، برپا شد؛ (۳) مدرسه‌های خصوصی که به الگوی غربی تشکیل و بودجه‌شان از منابع غیردولتی تأمین شد؛ (۴) مدرسه‌های وابسته به دولت که هدف اصلی از ایجاد آنها تربیت کردن نیروهایی برای برطرف ساختن نیازهای دولت بود.

مدرسه سن‌لویی (تأسیس ۱۲۷۷ ق در تهران، به دست مبلغان لازاریست) از نمونه مدرسه‌های دسته اول؛ مدرسه پسرانه آمریکایی (تأسیس ۱۲۸۹ ق در تهران) و مدرسه

۱. آدمیت، فریدون، همان، ص ۳۷۹ - ۳۸۱.

دخترانه آمریکایی (تأسیس ۱۳۱۳ ق در تهران) که زبان انگلیسی در آنها تدریس می‌شد، مدرسه پسرانه آلیانس که زبان فرانسوی در آن آموخته می‌شد، و مدرسه آلمانی که زبان آلمانی در آن یاد داده می‌شد، از نمونه‌های دسته دوم؛ چند مدرسه خصوصی که اواخر عصر ناصری، و به تعداد بسیار در عصر مظفری در سطوح ابتدایی و متوسطه، به ویژه به اهتمام دگراندیشان تأسیس شد، از نمونه‌های دسته سوم؛ و مدرسه مشیریه (تأسیس ۱۲۸۹ ق) برای تدریس زبان‌های خارجی، مدرسه آتا مازوری (تأسیس ۱۲۹۱ ق) برای آموزش علوم و فنون نظامی و زبان فرانسوی، مدرسه سیاسی (تأسیس ۱۳۱۳ ق) برای تدریس علوم حقوق و سیاست و زبان فرانسوی و تربیت دیپلمات برای وزارت امور خارجه، از نمونه‌های دسته چهارم بود.^۱ فعالیت برخی از این مدرسه‌ها گسترش یافت و به چاپ و نشر آثاری در جهت مقاصدشان انجامید. مدرسه نبیلمان مسیحی آمریکایی در ارومیه در ۱۲۵۶ ق / ۱۸۴۰ م چاپخانه‌ای با حروف عربی، سریانی و انگلیسی دایر کردند و به چاپ و نشر آثار مذهبی پرداختند.^۲ در همین مدرسه به ترجمه کتاب هم دست زدند و چاپخانه کوچکی همراه با یک متخصص آمریکایی در زمینه چاپ از امریکا آوردند و در ارومیه چند تن زیر نظر او و با کار کردن با دستگاه‌های جدیدی که وارد شده بود، فن آوری چاپ آموختند. کشیشی به نام پرکینز در کتاب خود با نام هشت سال در ایران اطلاعات مفیدی درباره این چاپخانه فعال، که سالیانی مدید دایر و فعال ماند، ذکر کرده است.^۳ روزنامه‌ای به زبان سریانی با نام زارایت باراتا دوره احمدشاه قاجار در این چاپخانه چاپ می‌شد. بنا به آمارهای که آمریکاییان مسئول آن مدرسه و چاپخانه داده‌اند، تا پایان سده ۱۹ م، حدود شش سال پیش از انقلاب مشروطه ایران، ۶۰۰ کتاب و جزوه، ۳۶۰۰ اعلامیه و جمعاً ۵۱۰/۰۰۰ صفحه مطلب در چاپخانه مدرسه نبیلمان آمریکایی در ارومیه به چاپ رسیده بود.^۴

فعالیت‌های آموزشی و انتشاراتی این مدرسه بر بخشی از اقلیت مسیحی مقیم ایران تأثیری بسیار عمیق نهاد و قشری از روشنفکران مسیحی ایرانی پرورش یافتند. روس‌ها هم که در منطقه آذربایجان نفوذ داشتند، بی‌کار نشستند و چاپخانه‌ای دایر کردند. هیأت

۱. برای جزئیات بیشتر، نک: محیوبی اردکانی، حسین، همان، ج ۱، ص ۳۶۶-۳۶۷، ص ۴۱۴ ناطق، هما، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، ۱۹۲۱-۱۸۳۷ م (تهران، ۱۳۸۰)، ص ۵۱-۵۳.
 ۲. «چاپخانه و روزنامه در ایران»، کاوه، دوره جدید، سال ۲، ش ۵ (۱۳۳۹ ق)، ص ۱۳.
 ۳. همان، ص ۱۱۳؛ ناطق، هما، ایران در راه‌یابی فرهنگی...، ص ۱۸۶-۱۸۷.
 ۴. برای جزئیات بیشتر، نک: تمدن، محمد، اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۹۴ به بعد؛ کاویان‌پور، احمد، تاریخ ارومیه (ارومیه، ۱۳۷۸)، ص ۲۴۹ به بعد؛ ناطق، هما، همان، ص ۱۸۵ به بعد.

مبلغان مسیحی انگلیسی، هیأت مبلغان فرانسوی و مسیحیان لازاریست هم در ارومیه چاپخانه به راه انداختند. ارومیه به کانون فعال تبلیغ و انتشار آثاری متعلق به مذاهب و فرقه‌های مسیحی تبدیل شده بود. تأثیرهای جنبی دیگری هم این مدارس داشت که اقتضای بحث و بررسی‌های مفصل‌تری در جای خود دارد، به‌ویژه در پرتو نظریه‌های جدید چند فرهنگی و تکثر فرهنگی که این نظریه‌ها به عطف توجه به زوایای نکاویده و ناشناخته‌ای کمک می‌کند.

جنبه دیگری که تأکید بر آن لازم است، مدرسه مشیریه یا مکتب مشیریه است که نام آن از «مشیرالدوله»، لقب میرزا حسین خان سپهسالار گرفته شده است. او در اجرای برنامه‌اش در زمینه اصلاحات و نوسازی، به ضرورت تربیت مترجم برای انتقال دانش و فن از غرب به ایران، و تربیت کردن زبان‌دان برای وزارت امور خارجه آگاه بود. در مدرسه یا مکتب او در تهران، که کلاس‌های آموزش زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، روسی، و ترکی عثمانی پنج روز در هفته عصرها در محل دارالترجمه دولتی به صورت رایگان و برای عموم علاقه‌مند برگزار می‌شد، معلمان با تجربه و زبان‌دانی تدریس می‌کردند. از معلمان خارجی این مدرسه از میرزا هارتون‌خان، ماردروس خان، و مسیو پروسکی، و از معلمان ایرانی از آقا میرزا رضای کاشانی، میرزا علی خان، که از معلمان زبان‌دان و مترجمان چیره‌دست بوده‌اند، یاد کرده‌اند. ترویج چهار زبان فرنگی و شرقی، که وسیله مؤثر انتقال دانش و فن جدید از راه آثار کتبی آنها بود، و آموزش دادن رایگان این زبان‌ها، از مصداق‌های سیاست نوسازی سپهسالار بود.^۱

(ادامه مقاله در شماره‌های بعد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی